

عنوان مقاله:

منطق هگل به مثابه ی روشی معرفت شناختی-وجودشناختی برای یگانه گردانی اندیشه و وجود

محل انتشار:

دوفصلنامه منطق پژوهی، دوره 11، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

حسن مهرنیا - استادیار پردیس فارابی دانش گاه تهران

مجید زمانی علویچه - دانشجوی ارشد فلسفه پردیس فارابی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

به باور هگل، منطق نمی تواند ازپیش برای تعینات اندیشه صورتی برسازد، بل که هر تعینی صورت ویژه ی خود را دارد. جوهره ی دگرگون شده ی روح در منطق سنتی احساس نمی شود و به همین سبب منطق سنتی به تعینات پیشین روح دل خوش است ولذا نه می تواند تعینات جدید روح را مفهومی کند، و نه متافیزیک ویژه ای برای هر قومبرسازد. چنین منطقی به سبب ناتوانی در مفهوم سازی سرانجام به شکاکیت منجر خواهد شد. در این نوشتار تبیین نموده ایم که چگونه منطق معرفت شناختی-وجودشناختی هگل سرشت اندیشه را دگرگون می سازد. از نظر او، رسالت منطق اندیشه ورزی صوری صرف، بلکه یگانه گرداندن و این همان نمودن اندیشه با «وجود» است. از این رو منطق ویافزون بر اینکهدارای محتوا است، محتوای آن تعینات اندیشه ورزی را نیز آشکار می سازد. منطق هگل یک نظام فلسفی کامل را دربر دارد، و به سبب کارآمدی در مفهوم سازی برای تمامی تعینات روح؛ اندیشه را به جست وجوی یک متافیزیک نظام مند وامی دارد، بنابراین در منطق معرفت شناختی-وجودشناختی متافیزیک شدنی است بی آن که به دام دگماتیسمی که کانت ما را از آن پرهیز داده-اما خود در آن گرفتار شده-بود، گرفتار شویم.

کلمات کلیدی:

منطق صوری، ارسطو، صورت گرایی، منطق استعلایی، کانت، هگل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1440144>

